

## تدبر در سوره مبارکه مریم

### آشنایی با سوره

این سوره در مکه نازل شده و ۹۸ آیه دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: "هر کس به خواندن این سوره مداومت کند، نمیرد تا اینکه برسد به آنچه او را بی نیاز کند، از جان و مال و فرزند، و نیز در آخرت از یاران حضرت عیسی علیه السلام باشد و در آخرت مانند فرمانروایی حضرت سلیمان علیه السلام به او داده می شود."<sup>۱</sup> این سوره از نظر محتوا دارای چندین بخش مهم است:

مهم‌ترین بخش این سوره را قسمتی از سرگذشت زکریا و مریم و حضرت مسیح علیهم‌السلام و یحیی و ابراهیم توحید و فرزندش اسماعیل و ادريس و بعضی دیگر از پیامبران بزرگ الهی تشکیل می‌دهد که دارای نکات تربیتی خاصی است.

قسمت دیگری از این سوره که بعد از بخش نخست، مهم‌ترین بخش را تشکیل می‌دهد، مسائل مربوط به قیامت و چگونگی رستخیز و سرنوشت مجرمان و پاداش پرهیزکاران و مانند آن است.

بخش دیگر مواظ و نصایح، و در واقع مکمل بخش‌های گذشته است.

سرانجام آخرین بخش، اشارات مربوط به قرآن و نفی فرزند از خداوند و مسأله شفاعت است که مجموعاً برنامه تربیتی مؤثری را برای هدایت نفوس انسانی به ایمان و پاکی و تقوا تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup>

### غرض سوره

غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده می‌فرماید: (فَإِنَّمَا يَسْرَنَاهُ لِيَلْسَنِكَ لَتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا) بشارت و انذار است. چیزی که هست همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادريس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده، آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران، خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند، ولی اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نموده به مسأله توجه به پروردگار به کلی بی‌اعتنا شدند و به جای آن، دنبال شهوت را گرفتند. به همین جهت به زودی حالت «غی» که همان از دست دادن رشد است را دیدار می‌کنند، مگر آنکه کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت نماید که او سرانجام به اهل نعمت می‌پیوندد.

سپس نمونه‌هایی از لغزش‌های اهل غی و زورگویی‌های آنان و آرای خارج از منطقشان از قبیل نفی معاد، نسبت پسر داشتن به خدا، بت‌پرستیدن و آنچه از لوازم این لغزش‌هاست از نکبت و عذاب را خاطر نشان می‌سازد.

بنابراین می‌توان گفت: بیان این سوره شبیه به بیان مدعی‌ای است که برای اثبات دعوی خود مثال‌هایی می‌آورد. گویا گفته شده فلانی و فلانی که از اهل رشد و دارای موهبتی الهی بودند در زندگی این روش را داشتند که دل از شهوات نفس‌کنده و به سوی پروردگار خود متوجه شدند و طریقه خضوع و خشوع را پیش گرفتند که با متذکر شدن آیات پروردگارشان از صمیم دل خاضع می‌شدند.

طریقه آدمی به سوی رشد و موهبت همین است، لیکن اخلاف همین نامبردگان این طریقه را کنار گذاشتند؛ یعنی از عمل روی گردانند و به شهوات مذموم رو آوردند و این روش، ایشان را جز به سوی «غی» که خلاف رشد است نکشانیده، جز بر باطل استوارترشان نمی‌کند و سرانجامشان این می‌شود که رجوع به خدا را انکار، و شرکایی برای خدا اثبات نموده، سد راه دعوت هم می‌شوند و این، جز به سوی نکبت و عذاب رهنمونشان نمی‌کند.

<sup>۱</sup> البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، ص ۶۹۵

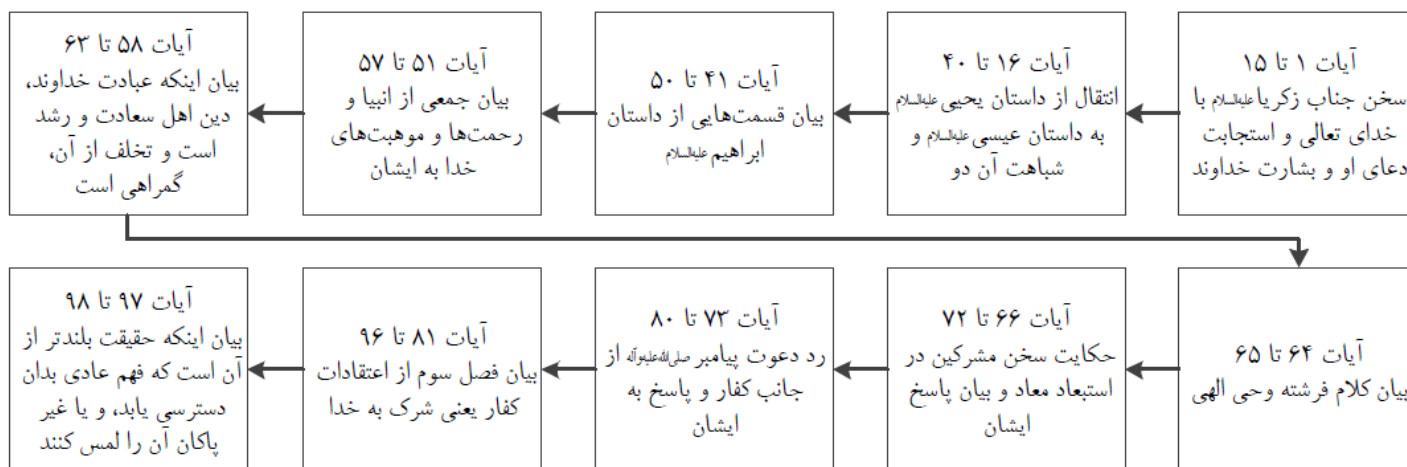
<sup>۲</sup> تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳

پس این سوره با ذکر چند مثال آغاز و با گرفتن نتیجه‌ای کلی از آن مثل‌ها که مورد نظر بوده، خاتمه یافته است و این نتیجه‌گیری از جمله (أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) شروع شده و تا چند آیه بعد ادامه می‌یابد.

پس این سوره مردم را به سه طایفه تقسیم می‌کند: ۱. آنهایی که خدا انعامشان کرد که یا انبیا بودند و یا اهل اجتناب و هدایت ۲. اهل غی؛ یعنی آنهایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند ۳. آن کسانی که توبه نموده ایمان آوردند و عمل صالح کردند که به زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند و آنگاه ثواب توبه تائبین و مسترشدین<sup>۳</sup> و عذاب غاویان که همنشینان شیطان و از اولیای اویند را تذکر می‌دهد.

این سوره بدون هیچ شکی در مکه نازل شده، زیرا هم عده‌ای از مفسرین، مکی بودن آن را مورد اتفاق دانسته و هم مضامین آیاتش بر این معنا دلالت دارد.

## دسته‌بندی آیات سوره



## محتوای تفصیلی آیات

### آیات ۱ تا ۱۵

سخن جناب زکریا علیه‌السلام با خدای تعالی و استجاب دعای او و بشارت خداوند و در مقابل، شگفت زده شدن زکریا علیه‌السلام.

### آیات ۱۶ تا ۴۰

در این آیات از داستان یحیی علیه‌السلام نقل کلام شده و میان این دو داستان، شباهت تمامی هست، زیرا ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق‌العاده صورت گرفته و به هر دو در کودکی حکم و نبوت داده شده است. او هم خبر داد که مأمور به احسان به مادر شده و جبار و شقی نیست و بر خود در روز ولادت و روز مرگ و روز مبعوث شدنش سلام داده است. او نیز همین مطالب را گفته و قرآن از وی نیز نقل کرده و شباهت‌های دیگری نیز داشته‌اند و یحیی علیه‌السلام نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کرده و به وی ایمان آورد.

### آیات ۴۱ تا ۵۰

این آیات به پاره‌ای از داستان ابراهیم علیه‌السلام اشاره می‌کند و آن عبارت است از احتجاجش با پدر درباره بت‌ها با حجت و هدایت فطری و معرفت یقینی که خداپس داده بود و نیز داستان کناره‌گیری از پدر و از مردم و خدایانشان، و اینکه خداوند به او اسحاق و یعقوب را داد و به کلمه باقیه در نسلش اختصاص داد و برای او و اعقاب او یاد خیری در آیندگان گذاشت که تا روزگاری هست نامش را به نیکی ببرند.

<sup>۳</sup>. مسترشدین: کسانی که طالب رشد هستند.

## آیات ۵۱ تا ۵۷

در این آیات جمع دیگری از انبیا و برخی از موهبت‌ها و رحمت‌هایی را که به ایشان اختصاص داده ذکر می‌کند و آنان عبارتند از موسی، هارون، اسماعیل و ادريس عليهم السلام.

## آیات ۵۸ تا ۶۳

در سابق که درباره غرض این سوره بحث کردیم گذشت که آنچه از سیاق آن برمی‌آید این است که می‌خواهد بیان کند عبادت خدای تعالی - یعنی دین توحید- دین اهل سعادت و رشد است، دین انبیا و اولیاست و تخلف از طریقه ایشان؛ یعنی ضایع کردن نماز و پیروی شهوات، پیروی راه ضلالت است و کسی که چنین کند گمراه است، مگر آنکه توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد.

پس آیات و مخصوصاً سه آیه اول آن متضمن خلاصه غرض سوره است و این خلاصه‌گیری را به صورت استنباط از داستان‌های وارده در سوره بیان کرده است. تفاوت این سوره با سایر سوره‌ها همین است که در سایر سوره‌های طولانی غرض از سوره را به عنوان برائت استهلال در ابتدای آن، و نیز به عنوان حسن الختام در آخر آن بیان می‌کند، ولی در این سوره این غرض را در وسط آن بیان کرده است.

## آیات ۶۴ تا ۶۵

این دو آیه نسبت به آیات قبل و بعد از آن به منزله جمله معترضه‌اند و سیاق این دو شهادت می‌دهد که کلام در آن، کلام فرشته وحی و به وحی قرآنی و از ناحیه خدای سبحان است، چون نظم آن بدون شک نظم قرآنی است و این، نظریه‌ای است که روایت وارده به طرق مختلف از اهل سنت و به نقل مجمع از ابن عباس آن را تأیید می‌کند، و آن روایت این است که وقتی جبرئیل در نزول خود تأخیر کرد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از او پرسید چرا دیر کردی؟ جبرئیل به وحی الهی گفت: (وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ... هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا).

## آیات ۶۶ تا ۷۲

از اینجا به بعد، دوباره بر سر مطلب قبل (که گفتیم به منزله جمله معترضه است) برمی‌گردد و در حقیقت، از اینجا دنباله جمله (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا) تعقیب می‌شود، و بعضی از سخنانی که از باب غی و ضلالت زدند برای نمونه ذکر می‌شود و از همه آن سخنان تنها سه تا نقل شده است. یکی سخنی که درباره معاد زدند و یکی پیرامون نبوت و یکی پیرامون مبدأ است.

در این آیات، یعنی از جمله (وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ ... وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا) که هفت آیه است، حکایت سخن ایشان در استبعاد از قیامت و پاسخ از آن نقل شده و آثار سوء و وبالی که در سخن ایشان است را خاطر نشان می‌سازد.

## آیات ۷۳ تا ۸۰

این آیات، فصل دوم از کلماتی است که قرآن کریم از کفار نقل کرده و حاصلش این است که دعوت نبوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به این صورت رد کرده‌اند که هیچ سودی به حال کسی که به او بگردد ندارد، و اگر این دعوت، حق بود می‌بایست دنیای گرونده را که سعادت زندگی در آن است اصلاح کند، ساختمان‌های رفیع و اثاث‌البیت نفیس و جمال و زینتی به ایشان بدهد و این کفر که خیر دنیا را به ما رسانده خیلی بهتر از ایمان مؤمنین است که وضعشان را به آن فلاکت کشانده، نه حال و نه مالی برایشان گذاشته و به زندگی سختی دچارشان کرده و همین، دلیلی است بر اینکه حق با کفر است، حقی که به هیچ‌وجه نباید با ایمان مؤمنین معاوضه شود.

آنگاه خداوند از گفتار آنها پاسخ می‌دهد به اینکه چه بسیار مثل شما صاحبان عیش را ما هلاک کردیم و اینکه هر که در ضلالت پافشاری کند بر خداست که او را گمراه‌تر سازد، و سپس پاسخ خود را تعقیب می‌کند به بیان حال کسانی که فریب گفتار آنان را خورده‌اند.

## آیات ۸۱ تا ۹۶

این آیات، فصل سوم از اعتقادات کفار را نقل می‌کند و آن، عبارت است از شرک به خدا با برگزیدن خدایانی دیگر و اینکه گفته‌اند: «خدا فرزند گرفته» و بیان پاسخ آنها.

این دو آیه، سوره را خاتمه می‌دهد و خدای سبحان در آن، تنزیل حقیقت قرآن را بیان می‌کند (که آن حقیقت بلندتر از آن است که فهم عادی بدان دسترسی یابد و یا غیر پاکان آن را لمس کنند) به اینکه تا مرتبه ذکر، به لسان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده و می‌فرماید: هدف از این تیسیر این است که بندگان باتقوا را بشارت، و قوم خصومت پیشه را با آن انداز نماید. آنگاه انداز آنان را با یادآوری هلاکت قرون گذشته خلاصه فرمود.